



## آهنگهای شعری ایران

شعر ایران از حیث فرم ارتباط بسیار نزدیکی و اساسی با موسیقی دارد. توضیح دقیق این ارتباط محتاج به مجال مفصل است، عجلتاً به بیان چند نکته مقدماتی و ضمناً رفع دو سه اشتباه چایی در مقاله «روش فنی» (مجله موسیقی شماره ۱۰) که میتوان در حقیقت آن را پایه این گفتار دانست اکتفا میشود:

۱- برای ژ (حرف ۱۵) علامتی مرکب از قسمت بالائی  $g$  و دنباله  $z$  امتحاناً ساخته شده بود. ولی کوبا چون محتاج به کلیشه یا ریختن حروف جدید بود چاپ آن ممکن نشد. بهر حال بعداً به نظر رسید که علامت مزبور ممکن است برای صدای گ سنگین مناسبتر باشد. از طرف دیگر دیده میشود که برای صدای «ز» دو علامت مختلف داریم ( $z$  و  $Z$ ) و فرق شکلی میان این دو، رویهمرفته کمتر از فرق شکلی میان  $z$  و  $y$  نیست. با ملاحظه احتیاج شدیدی که به علامت تازه برای صدا های مهم داریم باید قضاوت کرد که دو علامت متمایز برای صدای واحد زیاد است. پس شایسته به نظر میرسد که فرم ساده تر را برای صدای فراوانتر ( $z$  برای  $z$ ) همچنان نگاهداری کنیم ولی فرم دیگر ( $Z$ ) را به ژ تخصیص دهیم. یک مناسبت فرعی هم (انتخاب

علامات شبیه به هم برای صدا های شبیه به هم ( این میان تأمین میشود ، و بالاخر لازم خواهد بود فرمهای چایی تازه ای برای Z بسازیم که از فرمهای چایی کنونی % متمایز باشد ، ولی این يك مسئله فرعی و نسبتاً آسانی است ،

۲- در فارسی رسمی امروزه حرف w ( شماره ۲۹ ) را داریم منتها فقط بعد از صدای « o » میآید ، « دو » ( عدد ) و « دو » ( از دویدن ) در این زمینه مثالهای خوبی هستند ؛ اولی را باید do و دومی را باید dow نوشت ، کلمات « مستولی » ( Mostowlii ) و « مستوفی » نیز مثالهای خوبی هستند زیرا در هر کدام ، يك سیلاب شامل o و يك سیلاب شامل ow داریم ، در لهجه های ولایتی ما موارد دیگری هم برای w موجود است .

۳- یکی از دوستان تحصیل کرده نگارنده ابراد داشت که ک ( همچنین گ ) دو صدای مختلف ( سبک و سنگین ) ندارد بلکه صدای واحدی است منتها از دو جای مختلف دهان ( عقبتر و جلوتر ) ادا میشود . به گمان نگارنده این خود يك تأیید علمی است از اینکه تفاوتی موجود هست . از طرف دیگر تفاوت میان ک سبک و سنگین ( همچنین گک سبک و سنگین ) از همان نوع و شاید به همان اندازه تفاوت میان همزه و ع ( عربی ) یا ه و ح ( عربی ) میباشد . تصدیق داریم که برای ه و ح دو علامت مختلف لازم است و شکل همزه نباید سوای شکل ع باشد . از روی همین قرینه دو علامت متمایز برای کافهای دوگانه و دو علامت هم برای کافهای دوگانه مورد احتیاج است . بطور معترضه میتوان افزود که همین تفاوت میان ق عادی فارسی و ق عربی ( که در بعضی لهجه های ولایتی ما از قبیل کردی و کرمانی یافت میشود ) موجود است .

۴- موارد پیدایش ک و گ نرم و سخت در تلفظ منحصرأ مربوط به حرفی است که بیفاصله بعد از آن میآید . در فارسی ( و شاید همه زبانهای دیگر ) قاعده برای موارد سختی و نرمی هر دو حرف یکسان است ، ولی حروفی که با نرمی یا سختی ک و گ همراه هستند در زبانها و لهجه های مختلف فرق میکند ، در فارسی رسمی امروزه



ک و کت فقط قبل از سه وویل (ə, o, u) سبک، و در تمام موارد دیگر (یعنی پیش از هر سه وویل دیگر، و همه کنسها، و در آخر کلمه) سنگین هستند و ک و ک سنگین در فارسی پیش از ک و ک سبک است مثال:

سبک، پیش از	آ	ا	او
ک	پیکار	کلفت	شبکور
ک	پرگار	میگفت	بگو
سنگین، پیش از	ا	ای	هر کنسفی
ک	کفش	کشید	کینه
ک	کردن	نکرفت	کیچ
			دکمه
			ریگ

۵- هر کلمه مرکب باید سر راست و یکپارچه نوشته شود و برای نمایاندن اتصال اعضای آن بیکدیگر، علامات خارجی و اضافی از قبیل (-) لازم و شایسته نیست.

۶- هر حرف فنتیک (اعم از وویل و کنسن) از حیث طول مدنی که برای تلفظ چه در شعر و چه در نثر حرف آن میشود، عیناً مساوی با هر حرف فنتیک دیگر (چه وویل و چه کنسن) میباشد. علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۷- همزه 'w و y سه کنسن هستند که به ترتیب با 'a، 'o و 'e مرتبط میباشند. صحیح است که هر سه تا از نرمترین کنسها هستند ولی بهر حال هیچکدام را نمیتوان وویل شمرد. توجه به این نکته روشن میکند که ترکیباتی از قبیل 'aw، 'ow و 'ey (که معمولاً توالی دو وویل محسوب شده و «دیفتنک» Diphthong خوانده میشوند) هر يك عبارت از توالی يك وویل و کنسن (cv) هستند و از حیث نوع ساختمان با توالی هر وویل و کنسن دیگر (مثلاً 'an، 'up و 'ik) تفاوتی ندارند.

يك کنسن ممکن است دوبار پشت سر هم (cc) واقع شود. مانند «ر» در «دره» (darre). همچنین وویل دوغلو (vv) داریم (مانند «i» در «بیست»

(biist) و این در همه زبانهای متمدن از کنسن دوغلو خیلی فراوانتر است. توالی وویل و کنسن (vc) هم فوقاً گذشت و مانند صورت معکوسش یعنی توالی کنسن وویل (cv) ، از قبیل 'yo ، 'wa ، 'ji ، 'tà و 'zu) خیلی عادی است و امتیاز مخصوصی ندارد تا محتاج باشیم آن را به نام مخصوصی بخوانیم. اما هیچکدام از این ترکیبات با تعریف دیکسیونری دیفتنگ که اصولاً توالی دو وویل مختلف (vv) است مطابقت نمیکند. از طرف دیگر توالی دو وویل مختلف که دیفتنگ حقیقی باشد اگر بکلی نایاب نباشد بی اندازه در همه زبانهای متمدن کمیاب است.

ضمناً روشن میشود که Consonantal diphthong و improper diphthong و digraph و trigraph و نظایر آن پیچ و خمهای زایدی هستند که با برقراری املائی علمی از میان میروند. و بالاخره هر نوع توالی دو حرف فنتیک در شعر فارسی (چه با تعریف دیفتنگ مطابقت بکند یا نکند) معادل دو حرف (یعنی دو واحد صدا) در تلفظ طول میکشد و بهمان اندازه باید در آهنگ شعر محسوب گردد.

۸- در آهنگهای شعری ایران منحصرأ دو نوع سیلاب موجود است یکی کوتاه و یکی دراز. سیلاب کوتاه (مثل «تو» - to) همیشه دو حرفی (cv) و حرف اول آن کنسن و حرف دومش وویل است. سیلاب دراز هم سه حرفی است و همان سیلاب کوتاه است به اضافه یک حرف سوم که یا کنسن است یا تکرار همان وویل. در صورت اول سیلاب دراز مطابق فرمول cvc (مانند «بر» - bar) است و در صورت دوم cvv (مانند «بی» - bii). دقت این اندازه ها بحدی است که میتوان عدد ۳ را برای نمایاندن سیلاب دراز و ۲ را برای سیلاب کوتاه بکار برد.

۹- سیلاب دراز تری هم در تلفظ فارسی هست (مانند «سرد» - sard) که در تقطیع شعر فارسی همیشه معادل دو سیلاب عروضی (اولی دراز و دومی کوتاه) گرفته میشود. در این صورت ، دومین سیلاب ، دومین حرف خود را (که باید وویل باشد) در تلفظ فاقد است. اما یک وویل از خارج در ضمن تقطیع به این دومین





۱۲- چنانکه در شماره ۱۰ مجله موسیقی صفحه ۱۹ عبارت ششم درباره آهنگ متقارب توضیح داده شد عدد حروف هر مصرعی که هموزن بیت بالا (رباعی) باشد قاعدتاً ۳۳ تاست. اگر در حسابهایی که مقاله پیش و مقاله حاضر بر اساس آن قرار گرفته است اشتباهی موجود باشد لازم میشود که شماره حروف مصرعهای هموزن در زبان فارسی نامساوی در بیاید. اما تساوی شماره این حروف يك حقیقت مسلم ریاضی بوده و خود دلیل قاطعی برای درستی حسابهای مزبور است.

در خاتمه بنظر نگارنده آهنگهای شعری ایران دارای انتظام ریاضی هستند و عروض ایران که از یکطرف با علم ریاضی و از طرف دیگر با علم موسیقی ارتباط دارد کاملترین عروض جهان است. از اینرو نکاتی که برطبق این فن (از جمله درزمینه وجود و نوع و محل و شماره حروف و میزان کشش صوتی آنها) بدست میآید باندازه نکاتی که يك ماشین دقیق مثلاً کیموگراف (Kymograph) نشان میدهد صحیح و قابل اعتماد است. اگر فرصتی پیدا شد نگارنده امیدوار است این موضوع را برای خوانندگان مجله موسیقی با ارائه جزئیات بیشتری روشن کند. ضمناً اگر دلایل علمی بر رد هر يك از گفته های فوق در میان باشد نگارنده از شنیدن آن خوشوقت خواهد شد.

مسعود فرزاد

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

